

مطالعه علل ظهور و افول انقلاب سرمداران از منظر فرهنگي

دکتر رضا کشاورز^۱

سید مهدی دلبری^۲

چکیده:

فرهنگ و تفکر شیعی، در طول دوران پر فراز و نشیب خود، همیشه به عنوان یک مکتب پیشرو و الهام بخش، آفریننده حماسه‌های بزرگی چون سرمداران بوده، که در تاریخ ایران‌زمین جاودانه مانده است. انقلاب سرمداران، از مهمترین قیام‌های حق‌طلبانه‌ی شیعیان بود که در راستای دفع ستم و بی‌عدالتی و تحقق آرمان‌های سترگ مذهب شیعه و به مدد مقاومت و خیزش مردمی علیه نظام جور و ظلم انجام گرفت و در بستر فرهنگی و مذهبی و با برانگیختن غیرت دینی و بیگانه‌ستیزی به فرجام مطلوبی رسید و با این وجود، برخی موانع موجب تزلزل و شکست این حماسه افتخارآفرین بعد از گذشت نیم قرن گردید. کاوش در مورد چگونگی بروز این انقلاب حماسی و دینی از نگاه فرهنگ شیعه و اینکه چه عوامل فرهنگی برگرفته از فرهنگ تشیع در پیدایش این انقلاب نقش داشته و چه عوامل فرهنگی آن را در سرایشی سقوط قرار داده، در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است. از مهمترین مولفه‌های فرهنگی زمینه‌ساز انقلاب و حماسه تاریخی سرمداران، بطور اجمال می‌توان به سابقه‌ی گسترش فرهنگ تشیع و حاکم بودن آموزه‌های فرهنگ شیعی، نفوذ معنوی رهبران مذهبی سرمداران و رهبری انگیزه بخش آنان، قرابت و اتحاد تصوف و تشیع، حاکم بودن فرهنگ انتظار و اندیشه مهدویت و وجود مولفه‌های مهم دینی- فرهنگی همچون روحیه جوانمردی، اتحاد و برادری و جانفشانی و ظلم‌ستیزی اشاره نمود، که توانست بستر مناسب فرهنگی را برای خیزش مردمی علیه دشمن مغولی و چیرگی برآنان و پایه‌گذاری سلسله سرمداران فراهم نماید. با این وجود تغییر

۱. دانشگاه حکیم سبزواری

۲. دانشگاه حکیم سبزواری

رویکردهای فرهنگی که در ابتدای قیام از آرمانهای این انقلاب مردمی بود، باعث گردید که زمینه‌ی آسیب‌پذیری این حکومت شیعی‌مسلک فراهم گردد و در نهایت افول این نهضت خجسته سربداری محقق شود، که از آن جمله عواملی همچون عدم سازماندهی ایدئولوژیکی و فرهنگی انقلاب سربداران، ناامیدی مردم از حصول آرمان‌های دینی و فرهنگی سربداران، تغییر الگوهای فرهنگی صداقت و ساده‌زیستی به توطئه و جاه‌طلبی، کم‌رنگ شدن حاکمیت فرهنگ ایستادگی و عدالت‌خواهی تشیع و روحیه تسلیم حاکمان در اواخر حکومت این دولت شیعی مذهب، بیش از دیگر عوامل موثر بوده است.

واژگان کلیدی: سربداران، فرهنگ سربداران، انقلاب، ظهور، افول سربداران.

۱. مقدمه (طرح مسئله):

ایران اسلامی با داشتن فرازهای برجسته تاریخی و حماسه‌های جاوید مردمی یکی از پرافتخارترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های دنیاست، که نشأت گرفته از فرهنگ دینی است. دولت شیعی سربداران به عنوان بخشی از این تاریخ حماسه‌ساز تشیع و این مرز و بوم ظلم‌ستیز سالیان سال است که بر تارک تاریخ و فرهنگ ایران می‌درخشد. مهم‌ترین عاملی که در کنار برخی اقتضائات تاریخی و عوامل درونی و بیرونی، زمینه ایجاد و به ثمر نشستن یک انقلاب یا قیام را فراهم می‌نماید، زمینه‌های فرهنگی آن است. فرهنگ از این نگاه شامل الگوهای آشکار و ناآشکار از رفتار است که به واسطه نمادها انتقال می‌یابد و فرهنگ سیاسی حاصل جهت‌گیری‌های شناختی، احساسی و ارزشی در ابعاد نظام سیاسی است (کرمی، ۱۳۹۱) و هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی و به خصوصاً رزش‌های وابسته به آنها است (شریف، ۱۳۸۱). بی‌تردید این عقاید و ارزش‌ها و الگوهای نمادین رفتاری در عنوان انقلاب سربداران نقش تعیین‌کننده‌ای بر پیروزی آن داشته است. درواقع حماسه انقلابی و مردمی سربداران بر بنیان‌هایی دینی و فرهنگی استوار بود، که منشأ ظهور این دولت اسلامی و شیعه مذهب در ایران زمین گردید؛ که اگر بر همان بنیان‌ها باقی می‌ماند، می‌توانست تداوم بسیار بیشتری بیابد و پرچم خود را در قلمرو گسترده‌تری به اهتزاز در آورد و بتواند سهم بیشتری از تاریخ حکومت‌های این مرز و بوم را از آن خود سازد. به هر صورت کاوش در چگونگی بروز این انقلاب دینی و حماسی که با تکیه بر خیزش مردمی علیه جور و ظلم به سرانجام رسید، از منظر

فرهنگ شیعه و اینکه چه عوامل فرهنگی برگرفته از شاخص‌های فرهنگ تشیع در این انقلاب نقش داشته و اینکه چه عوامل فرهنگی آن را در سرآشویی سقوط قرار داد، بسیار مهم و درس آموز است و به عنوان رهیافتی فرهنگی به این نهضت شیعی، می‌تواند مورد توجه و پژوهش واقع شود. الهام بخشی این حماسه برای قیام‌های بعدی شیعه و الگو شدن آن در تاریخ جنبش‌های اسلام‌پر اهمیت آن می‌افزاید. گفتنی است با توجه به اهمیت تاریخی سربداران، مطالعات نسبتاً زیادی با موضوعات متعددی در خصوص این نهضت انجام گرفته و با این وجود مطالعه و پژوهشی با هدف واکاوی قیام از منظر فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفته و نیاز به تامل و تحقیق بیشتری در این بُعد احساس می‌شود. از اینروست که تحقیق و مطالعه حاضر، به علل ظهور و افول انقلاب سربداران از منظر فرهنگی که از ارکان مهم شکل‌گیری و نیز سقوط این نهضت است، خواهد پرداخت.

۲. روش تحقیق و پیشینه مطالعه

روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات کتب و مقالات مرتبط بوده، که بصورت اسنادی از آنها بهره گرفته شده است. درواقع این پژوهش، با روش توصیفی، تحلیلی انجام گرفته و از طریق مطالعه و تحلیل اطلاعات منابع تاریخی و پیشینه مطالعاتی، موضوع مورد مطالعه را از ابعاد مختلف مورد تفحص قرار داده است. بیشتر مطالعات انجام یافته در خصوص حماسه و انقلاب سربداران، صرفاً یک مطالعه تاریخی بوده و در اینجا مطالعاتی که مرتبط با ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دینی می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است.

از افتخارات مذهب شیعه‌ها این است که درطول تاریخ پرفرازونشیب خود، همواره بر مبارزه و مقابله باظلم و ستم در تمامی شکل‌های آن پافشاری کرده است و پیروان راستین این مکتب، در این راه هرگونه رنج و سختی و خسارتی را از جان و دل پذیرا بوده و بردبارانه تحمل نموده‌اند (بابا صفری، ۱۳۸۶). سربداران نیز در راه احیای مکتب تشیع، دشواری‌های قیام خود را به جان خریدند و تا پای جان رفتند و سر به دار دادند، اما تن به ذلت و حقارت ندادند. در تمامی انقلاب‌ها و قیام‌های مردمی عوامل متعددی دخیل هستند و می‌توان بُعد فرهنگی را مهم‌ترین عامل و زمینه‌ساز آنها تلقی نمود. در مطالعه‌ای توسط حسینی (۱۳۸۸) بیان شد که علاوه بر عوامل اجتماعی، عوامل فکری و فرهنگی نیز باعث بروز نارضایتی به دلیل بی‌توجهی به

ارزش‌های دینی مردم شده و در نحوه تکوین انقلاب، به جهت وجود آموزه های انقلابی و تحول‌گرا این عوامل نقش برجسته ای دارد. نهضت سربداران بزرگترین نهضت آزادی‌بخش مردمی قرن هشتم هجری در آسیا بود، که در مقابل هجوم ویرانگرانه مغولان به مدت پنجاه سال ایستادگی کرد و در این مدت، اولین حکومت شیعه دوازده امامی ایران را به پایتختی دارالمومنین سبزوار در خطه‌ی خراسان تأسیس نمود (حقیقت، ۱۳۶۳). جنبش سربداران که بخش عمده‌ای صفحات تاریخی سال‌های ۷۳۶ تا ۷۸۸ ه. ق ایران زمین را به خود اختصاص داده بود، به عنوان نمادی از گفتمان شیعی- صوفی، درحاشیه‌رانی رقیب سنی مذهب خویش، تا بدان‌جا پیشرفت که افتخار انقراض حکومت ایلخانان مغول را به نام خود ساخت (حضرتی و ناصح، ۱۳۸۹). ناگفته نماند تأثیر دولت سربداران بر جنبش‌های آینده منطقه مانند: جنبش حروفیه، جنبش نقطویه، جنبش مرعشیان و همچنین نوع اداره جامعه توسط ایشان را می‌توان مهم‌ترین منشأ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن عصر دانست (ضابط، ۱۳۸۸) و در میان حکومت‌های پرشماری که پس از فروپاشی دولت ایلخانی، در گوشه و کنار ایران سر برآوردند، دولت سربداران، از لحاظ خاستگاه اجتماعی و نیروهای حامی و گرایش‌های مذهبی، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است (سعیدی، ۱۳۹۳). می‌توان دستاوردهای مهم این حماسه را ایجاد حکومت شیعی در خراسان، شکستن اُبهت مغولان و پیروزی بر آنان، ایجاد فضای باز سیاسی جامعه، برقراری عدالت اجتماعی، گسترش فرهنگ تشیع و دخالت عالمان دین در اداره جامعه برشمرد و تأثیر دولت سربداران بر جنبش‌های منطقه را باید مهم‌ترین منشأ تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران در آن عصر دانست (مرادی نسب، ۱۳۸۷). دولت سربداران، از نخستین دولت‌های شیعی امامی در ایران است که به لحاظ نوع دین و مذهب، مکان جغرافیایی، آرمان‌ها و انگیزه‌های شروع قیام، اهمیتی دو چندان داشته، تا جایی که می‌توان گفت تشکیل دولت صفویه و تغییر مذهب در ایران، ریشه در دگرگونی‌های مذهبی و فرهنگی داشت، که دولت سربداران به وجود آورده بودند (پرهیزکاری، ۱۳۹۲). دولت سربداران در محیطی شکل گرفت که حکومت‌های اطراف، از جمله دولت آل کرت، مذهب سنی داشتند و از طرف مغولها نیز در فشار بودند. در چنین محیطی، عالمان تشیع واقعی، تنها راه حفظ این حکومت و ترویج این مذهب بودند. بنابراین، هم حکومت برای حیات خود به عالمان نیاز داشت و هم عالمان به منظور ترویج تشیع به حکومت سربداران نیاز داشتند (فتحی، ۱۳۸۸).

۳. مهم‌ترین مولفه‌های فرهنگی زمینه‌ساز و پدیدآورنده یا انقلاب سربداران

جنبش و انقلاب، از جمله تغییر و تحولاتی است که در یک جامعه به منظور مقاومت در برابر حاکمان زمان صورت می‌گیرد و مجموعه‌ای از اندیشه‌های حاکم بر آن جامعه، در شکل‌گیری این جنبش‌ها دخالت داشته و الگوی دین محوری در آن دوره، تاثیر خود را نشان می‌دهد (عباسی، ۱۳۹۲). جنبش سربدار و تشکیل دولت آنها باعث تحولات اساسی و مهمی در اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی شرق ایران شد، که در تاریخ قلمرو اسلامی تقریباً بی سابقه و کم نظیر بود. درست به همین دلیل، مراحل نخستین قیام و عوامل موثر در چگونگی سیر تطور آن تا تشکیل دولت اهمیت بسزایی دارد (آهنچی، ۱۳۸۴) و به نظر می‌رسد ریشه‌یابی شکل‌گیری این انقلاب از نگاه فرهنگی، می‌تواند ما را به ماهیت این قیام و عوامل شکل‌گیری آن رهنمون سازد. دستاوردهای مهم این قیام و از جمله عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، ریشه در آرمان‌های فرهنگی و دینی تشیع دارد که پیشوایان معصوم ما (ع)، به رهروان این مذهب پویا آموخته‌اند و از آن جمله «عدالت» به عنوان عنصری انگیزه‌بخش است، که به اعتقاد باقی (۱۳۹۰)، این عدالت‌تاکید شده در سنن دینی، همواره با شعور انسانی در بُعد نظر و با شور و احساس در بُعد عمل درهم تنیده است و همه لایه‌های وجود آدمی را در نور دیده است. عوامل گوناگون فرهنگی را می‌توان در انگیزه‌بخشی، زمینه‌سازی و پیشبرد انقلاب غرور آفرین سربداران می‌توان برشمرد، که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها، که پدیدآورنده و هدایت‌کننده این انقلاب مردمی است، اشاره خواهد شد.

۳.۱. سابقه گسترش فرهنگ تشیع و ترویج آموزه‌های فرهنگ شیعی

سرزمین خراسان و به خصوص ناحیه سبزوار، از دیرباز از پایگاه‌های عمده تشیع در منطقه به شمار می‌رفت و مهد فرهنگ و تمدن شیعه و خواستگاه شیعیان غیور بوده است. سابقه گسترش فرهنگ تشیع در قلمرو سربداران، بنا بر شواهد تاریخی و اجتماعی به مهاجرت علویان و در صدر آنان حضور امام رضا (علیه السلام) به خراسان برمی‌گردد. هجرت آن امام رئوف و نزدیکانش موجب شد مردم خراسان تحت تأثیر فرهنگ شیعه قرار گیرند. مرادی نسب (۱۳۸۲) بر این مطلب صحه گذاشته که حضور امام رضا (علیه السلام) و سادات و علویان، پشتوانه مهمی در جبهه سیاسی و فرهنگی بوده و سبب تقویت مبانی فرهنگی اعتقادی تشیع در این خطه از

ایران‌زمین شده و این خط فکری و سیره عملی ائمه (علیهم السلام) در طول تاریخ ادامه یافته است. در واقعین پدیده‌ی مبارک تاریخی که نقطه‌ی عطفی در تاریخ تشیع ایران و دوستی اهل بیت است، در گسترش فرهنگ تشیع و معارف اسلامی نقشی به سزا داشته و از تاثیرگذارترین عوامل فرهنگی دخیل در ایجاد حماسه جاوید و اسلامی سربداران می‌باشد. بی‌تردید فرهنگ تشیع از همان ابتدا و بدو ظهور، هیچ نسبتی با ظلمت و ظلم‌پذیری نداشته و در حرکت‌های حق‌طلبانه، همواره جبهه‌ای پیشرو و مبارز بوده است که اوج آن را می‌توان در حماسه همیشه جاوید عاشورا ملاحظه نمود، که والاترین‌الگو برای جنبش‌های اسلامی نظیر انقلاب سربداران بوده است. حاکمان ستمگر و دین‌گریز، این فرهنگ را همیشه مانع و خطری برای ادامه حاکمیت خود بر مردم می‌دانستند و از همین رو و به دلیل وجود فرهنگ ایستادگی و ظلم‌ستیزی مذهب، همواره شیعیان در طی تاریخ‌در مظلومیت و سختی بسر می‌برده‌اند.

۳.۲. وجود روحیه جوانمردی، اتحاد و برادری، جانفشانی و ظلم‌ستیزی

از وجوه عمده قیام سربداران، روح فتوت و جوانمردی و ایثار و از خودگذشتگی بود، که ریشه در فرهنگ اصیل تشیع و فرهنگ ایرانی داشت و اکثر رهبران سربدار این ویژگی را دارا بودند. بیشتر آنان در عین زورمندی و پهلوانی در نهایت سادگی می‌زیستند، که نشان از اعتقاد قلبی آنان به فرهنگ برادری داشت. از دیگر سو بنا به گفته‌ی میرخواند (۱۳۸۰)، در قرن هشتم هجری در سراسر ایران، نقش جوانمردان آشکار و قابل توجه بود؛ جوانمردان و پهلوانانی که یار و یاور ضعفا و دشمن زورگویان زمان بودند، در میان مردم محبوبیت‌داشتند و برخی از آنانبا مشایخ در ارتباط صوفیه بودند. گفتنی است در ادوار گذشته کتابهایی در وصف جوانمردان تدوین شده که به فتوت‌نامه معروف شدند و از جمله فتوت‌نامه سلطانی نوشته ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری، که در آن به شرح گروهی از جوانمردان مشهور به سربداران و از جمله امیر عبدالرزاق (فرمانروای سربداری) که از پهلوانان و کشتی‌گیران بود، پرداخته شده است و نکته اینجاست که این جوانمردان به پاک‌دامنی و پارسایی، انصاف و دادگری، بخشنده‌گی و سخاوت، ایثار و از خودگذشتگی و تعهد و ظلم‌ستیزی مشهور بوده‌اند (میرخواند، ۱۳۸۰) و می‌توان این ویژگی‌های اخلاقی را از مولفه‌های مهم دینی، فرهنگی و اجتماعی دانست، که با نظام سلطه چنگیزی سازش نداشته و سر‌ناسازگاری با آن حکومت را در مقام عمل رقم زده است.

پیشکسوتان حماسه سربداران خود را با مردم عادی برادر و برابر می دانستند و خود را از زندگی تجملاتی و تشریفات حکومتی دور می داشتند و این ویژگی نشان از بُعد مردمی این قیام و استیلای فرهنگ و اخلاق شیعی در ابتدای قیام دارد. بی تردید روحیه برادری، اتحاد و یکپارچگی در برابر ستم و هجوم بی رحمانه قوم مغول، از مهم ترین عوامل پیروزی انقلاب سربداران قلمداد می شود و ادبیات آن زمان و اشعار ابن یمین که مذهب تشیع داشت، نیز در پیشرفت جنبش سربداران موثر بود. از دیگر سو وجود فرهنگ جهاد و شهادت و دفاع از آرمانهای دینی و خاک میهن، در سرتاسر قیام مردم سربداران موج می زد و این فرهنگ در برهه های تاریخی ایران، همچنان وجود داشت، تا اینکه در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید.

۳.۳. نفوذ معنوی رهبران مذهبی سربداران

سربداران در قرن هشتم در واقع با حمایت و نیروی معنوی عالمان دینی که در دل مردم جای داشته و از پشتوانه آنان برخوردار بودند و در اصل رهبری دینی این انقلاب را به عهده داشتند، توانستند بر دست نشانندگان ایلخانی پیروز شوند. دولت سربداران بدون حمایت رهبران مذهبی و پیشینه اعتقادی و دینیموجودشکل نمی گرفت. بی شک نقش شیخ مازندرانی و شیخ حسن جویری در پیدایش این قیام کمتر از سران سربداری نیست و آنان بودند که بستر حماسی این قیام را فراهم کردند، تا مردم با تمام وجود و با بذل جان، با سران و رهبران نظامیعلیه دشمن بیگانه همراه شوند. مردم حماسه ساز و مبارز قوم سربداران پیش از آنکه خود را تابع فرماندهان قیام بدانند، تابع روحانیونی چون شیخ مازندرانی و شیخ حسن جویری می دانستند، که آنان را برای مبارزه با جور زمانه و بازآفرینی آیین و حکومت شیعه فرا می خواندند. امیر عبدالرزاق نخستین امیر سربداران که از اکابر ولایت بیهق بود، آغازگر حماسه سربداران در روستایی بود که به اعتقاد روحانی (۱۳۶۸)، اکثر آنها مرید شیخ حسن جویری به عنوان پیشوای و مقتدایشان بودند. در تاریخ بسیار ذکر گردیده که زمینه و رهبری مذهبی نهضت سربداران را شیخ خلیفه و به خصوص شیخ حسن جویری فراهم نمودند و اینان بودند که مکتب علوی و شعار ذلت ناپذیری آن را در آن عصر ظلمت و ستم احیا نمودند و بی پروا از مذهب شیعه دفاع می کردند و در واقع نهضت های بعد از آن و از جمله قیام سادات و مرعشیان مازندرانی (با

رهبری سید عز الدین که در مکتب شیخ حسن جوری تعلیم یافته بود)، از نظر ایدئولوژی و عقیدتی دنباله‌ی همان قیام سربدارانی بود، که عالم مبارزی چون شیخ حسن جوری بنیان نهاد. این نفوذ معنوی شیخ مازندرانی بود که به عنوان عالم دینی و رهبر مذهبی و شیعی مسلک (بلخی، ۱۳۷۵)، پیوسته می‌گفت خداوند از عالمان تعهد گرفته تا در برابر ظلم قیام کنند و خود و مردم را ملزم به جهاد با قوم دین‌ستیز و غارتگر مغول می‌کرد. این شیخ وارسته و از جان گذشته، هرچند در زیّ به ظاهر درویشی، اما با اعتقادی راسخ به تعالیم تشیه و مبانی اعتقادی که مورد پذیرش علمای تسنن، حاکمان وقت و شیوخ درباری نبود، در مساجد شهر سبزوار به تبلیغ می‌پرداخت و جان خویش را در همین مسیر و همین مکان فدا نمود و شیخ حسن جوری نیز با خروج از سبزوار با هدف تبلیغ تشیع از شهری به شهری دیگر هجرت می‌نمودند و تعقیب و زندان را تحمل می‌نمود، تا دامنه قیام گسترده‌تر و پیروزی آن نزدیک‌تر و قطعی‌تر شود. از اینرو باید اذعان نمود که حرکت اصلی قیام و پایه گذار حکومت شیعی سربداران را از این منظر، عالمان دینی بر عهده داشتند و نباید نقش فرهنگی (تبیین درست فرهنگ شیعه و احیای تفکر تشیع) عالمان دین را، در سیر تحولات اجتماعی و سیاسی آن برهه تاریخی نادیده انگاشت.

۴.۳. قرابت و اتحاد تصوف و تشیع و نقش محوری مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و

مذهبی

گرچه بسیاری از درویشان و صوفیان زمان سربداران عزلت نشین و یا حتی دنیاپرست بودند، اما برخی همچون روحانی محبوبی چون شیخ حسن جوری، مبارز، انقلابی و در کنار مردم بودند و مرامشان مرام درویشی نبود. سربداران، سبزوار را که مهد دین و آیین اهل بیت (ع) بوده و مردم آنجا از قرن‌های نخستین اسلامی به تشیع اشتها داشتند، مرکز حکومت خود قرار دادند و با صوفیان و مردمانی که دوستدار خاندان ولایت بودند، رابطه ارادت و مودت برقرار کردند و تبعاً اعتقادات نزدیک به هم آنان در اوایل قیام، مسیر پیروزی قیام را هموارتر می‌نمود. در این راستا گفته شده که دولت سربداران خراسان، به عنوان نخستین دولت شیعی مذهب مستقل در ایران و به پایتختی دارالمومنین سبزوار، از تلفیق عناصر تشیع و تصوف با عنصر ملی‌گرایی و فتوت ایرانی تشکیل شده بود و از این لحاظ نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی

و اجتماعی این سرزمین به شمار می‌آید (ضابط، ۱۳۸۸). در بین صوفیان، گروهی خموش و منزوی و شکمباره بودند، اما پاره‌ای از آنان چون شیخ خلیفه عصیانگر و تسلیم‌ناپذیر (منوچهری، ۱۳۵۸). این صوفیان روشن ضمیر، مردم‌گرا و شیعه محور، در عصر سربداران نقش عمده‌ای در پیروزی سربداران داشتند و با این که شیخ خلیفه هم از رجال صوفیه و هم از علمای شیعه به‌شمار می‌آمد، اما به نقل مستدرکات اعیان‌الشیعه (اشاره شده در کتاب روضه الصفاء) او صوفی نبود، بلکه تصوف را وسیله‌ای برای رسیدن به هدفش که همانا مبارزه با ظلم و جور حاکمان زمان و احیای تشیع بود، قیام نمود. بعدها تصوف با رویکرد حرکت فرهنگی و اجتماعی منطبق با دین اسلام، نقش عمده‌ای را در تأسیس و تکوین سلسله شیعی مذهب صفویه بازی کرد. باید اذعان داشت که در دوران حکمرانی سربداران، آنجا که فاصله بین این دو طیف بیشتر گشته و علما و رهروان دینی و صوفی مسلک و سران حکومتی هر یک راه خود را از دیگری جدا دانست، انشقاق در قدرت سربداران بیشتر و توطئه‌ها افزون‌تر می‌گشت. از دیگر سو نقش مسجد را، به عنوان خواستگاه وحدت و قیام و اجتماع مردم معترض نباید نادیده انگاشت. مسجد پایگاه استواری برای دو رهبر مذهبی انقلاب سربداران و تبیین فرهنگ ظلم‌ستیز شیعه شده بود، به ویژه آنکه شیخ مازندرانی مسجد جامع سبزوار را کانون بیداری و انقلاب قرار داد و مردم را با آیین واقعی اسلام و تسلیم‌ناپذیری در برابر حاکمان مغول - که به ظاهر اسلام را پذیرفته و در عمل ستم پیشه بودند - دعوت می‌نمود و شیخ جوری نیز در شهرهای مختلف و به‌ویژه سبزوار از مسجد، به عنوان پایگاهی فرهنگی و مبارزاتی بهره می‌گرفت.

۵.۳. فرهنگ انتظار و اندیشه مهدویت

فرهنگ انتظار، همواره در طی تاریخ برای شیعیان، یک پشتوانه روحی و امید معنوی و مقدمه‌ای برای ابراز نارضایتی از حاکمان غیر دینی و ستمگر بوده و هست. این فرهنگ و اعتقاد به مهدویت، از جمله اصول اصلی تشیع اثنی‌عشری است، که هم در جناح شیخیان و هم در جناح سربداران وجود داشت و با همین اعتقاد، مردم علیه ظلم و فساد موجود برانگیخته و هدایت می‌شدند. این فرهنگ هم در ابتدای قیام سرنوشت ساز بود و هم در دوران حکومت سربداران و سالیان آخر این حکومت مورد توجه؛ تا آنجا که به گفته میرخواند (۱۳۸۰)، یکی از امیران سربدار به نام علی مؤید، مسئله مهدویت و انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) را زنده‌تر

ساخته و دستور داد که هر صبحگاه و شامگاه یا هر صبحگاه جمعه، اسب زین کرده‌ای در ابتدای شهر آماده نگه دارند، تا اگر امام زمان (عج) ظهور کند، بی مَرکب نباشد. در واقع چنین حرکتی، یک حرکت نمادین و پیام آور بود تا به مردم را با فرهنگ انتظار قرین سازند و صبح و شام به فکر امام زمانشان (عج) باشند و با امید به ظهور راه دشوار دولت شیعی را دنبال نموده‌و این آمادگی را داشته باشند که پای در رکاب حضرت گذارند. این یک واقعیت مسلم است که ترویج اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار و تشویق مردم برای ظهور امام زمان (ع)، از نخستین شعائر بود که مورد توجه و اهتمام پیشکسوتان قیام سربداران و مهم‌تر از همه علمای آنان بود و بعدها نیز در زمان حکمرانی دولت سربداران نیز وجود داشته و توسط شاگردان شیخ حسن جویری ترویج یافت. این فرهنگ، همیشه امت شیعه را پویا و امیدوار نگه داشته و در انقلاب اسلامی نیز نمود داشته است. ایجاد هویت انقلاب اسلامی بر دو رکن مفهومی تاریخی عاشورا و انتظار مهدوی، در تحقیقی با عنوان «بازشناسی هویت انقلاب اسلامی» که ویژگی‌های تقریباً مشترکی با انقلاب سربداران دارد، ثابت شده است (کوشکی، ۱۳۸۷).

۴. رویکرد فرهنگی بهزمینه‌های افول نهضت سربداران

۴.۱. وجود اختلاف در ارکان حکومت و دوری از رهبران مذهبی

از مهم‌ترین عوامل دخیل در سستی ساختار حکومت سربداران و اضمحلال دولت آنان، اختلافات درونی و دوری از رهبران مذهبی بود و نه تنها بین امرای سربدار کشمکش و اختلاف تا حد نزاع پیش می‌آمد، که نسبت به رهبر پاک طینتی چون شیخ حسن جویری نیز کم لطف بودند. گرایش حکومتی و خودخواهی برخی از بنیان‌گذاران و سران سربدار از همان آغاز تثبیت حکومت آنان، باعث دودستگی در بین آن‌ها شد و آنان را به دو دسته جناح روحانیون سربداران (رهبران مذهبی) و امیران سربداران (رهبران نظامی) تقسیم کرد. دو جناح و دسته‌ای که در بعضی اصول با هم توافق داشتند، اما اختلاف و نزاع بینشان که بیشتر از سوی امیران نمود داشت، سبب تضعیف این حکومت و جنبش اسلامی نوپیا می‌شد. آنگونه که سمرقندی (۱۳۳۸) بیان نموده، بنای نهاد دوگانه قدرت در این حکومت به دو بخش امیران سربدار و دراویش شیخیه (جناح سربداریه که در راس آن، مقام امیر قرار داشت و جناح شیخیه که پیرامون رهبر مذهبی خود گرد آمده بودند)، خود بزرگترین مانع ثبات و بقای آنان تا زمان

تیمور که برآنان چیره گشت، بود. امیر مسعود که از امیران دولت سربداران بود و خود زمینه‌ساز آزادی شیخ حسن جوری را، از زندانی که به خاطر مبارزاتش زندانی شده بود فراهم آورده بود تا رهبری قیام را به وی بسپارد، چندی بعد با توطئه‌ای وی را از پای درآورد و این اولین گام امرای سربدار در سرآشویی و افول نهضت سربداران بود. به گواه تاریخ حکمرانان دولت سربداران در اداره حکومت با یکدیگر اختلاف بسیار داشتند و بسیاری از آنان با توطئه یاران خود به قتل رسیدند و در ادامه‌ی نهضت، چندان گرایشی به روحانیون نداشتند و اعتقاد سعیدی (۱۳۹۳) با وجود نفوذ درخور ملاحظه‌ی شیخ حسن جوری، در میان پایگاه اجتماعی سربداران که ناشی از گرایش‌های مردم گرایانه و وعده‌های موعودگرایانه وی بود، مشارکت او در قدرت سیاسی، قابل ملاحظه نبود و با وجود نقش‌آفرینی وی در قیام سربداران، امیر وقت دولت سربداران، مقام و جایگاهی در حد شیوخ متعارف صوفیبرایش قائل بود و عاقبت وی را از سر راه برداشت.

۴.۲. عدم سازماندهی ایدئولوژیکی و فرهنگی انقلاب سربداران

روی کارآمدن حاکمان مردم‌مدار سربدار، به جای حاکمان مستبد و ستمکار مغول، گرچه در ترویج و گسترش مذهب شیعه تاثیرگذار بود و الهام بخش بسیاری از حرکتهای انقلابی و مهم‌ترین آن انقلاب اسلامی ایران گشت، با این وجود به دلیل فرصت کوتاهی که رهبران مذهبی این قیام داشتند و عدم توجه به روش آنان در جریان حکومت و عدم پشتیبانی فقهی در زمان بیشتر امرای سربدار، این انقلاب آن‌طور که باید نتوانست از نظر ایدئولوژیکی و فرهنگی به جایگاه شایسته‌اش دست یابد. امروز نگاه احترام‌آمیز تاریخ و جامعه‌ی ایران به سربداران، به خاطر حرکت نمادین ظلم‌ستیزی آن، که برگرفته از آموزه‌های شیعی است، می‌باشد و نه ایجاد یک ایدئولوژی حکومتیکه بتوان برای یک دولت اسلامی از آن الگو گرفت. از اینرو گفته می‌شود که فقدان یک ایدئولوژی محکم و اعتقادات فقهی معلوم و مشخص در میان رهبران و پیروان سربداران، از عوامل فروپاشی نظام آنان است. البته باید اشاره نمود که مبنای تفکر مذهبی و فرهنگ‌گیشیخ حسن جوری، اصول مستحکمی همچون باور به مذهب شیعه دوازده امامی، اعتقاد به مسئله انتظار، پیوند جدایی ناپذیر دین و سیاست و مبارزه با ظلم و استبداد بوده است؛ اما بیشتر از آگاهی‌افزایی محتوای این تعالیم، احساسات دینی بود که سرنوشت سربداران را با پیروزی مردم بر حکومت مغولی رقم زد و شرایط مناسبی برای توسعه

فرهنگی- اعتقادی این حماسه پیش نیامد. تنها نقاط قوت این قیام از این منظر، یکی وجود دیدگاه‌های مذهبی و روشن دو عالم روحانی نخستین روزهای انقلاب بود، که با وجود استواری، به خاطر مقتول شدن آنان پایداری چندانی نداشت و دیگر کتاب ارشمندی است که توسط شهید اول برای این دولت و شیعیان خراسان نگاشته شد. اهمیت کتاب لمعه- که در عصر سربداران، به درخواست امیر این حکومت و توسط شهید اول تالیف شده است-، به قدری است که محور بسیاری از دروس و مباحث فقهی حوزه‌های علمی شیعی قرار گرفته و شرح و حواشی متعددی توسط فقیهان برجسته دوران بعدی همچون شهید ثانی بر آن کتاب نگاشته شده است (پرهیزکاری، ۱۳۹۲). باید افزود که هجده‌های متعدد همسایگان و جنگ‌های سربداران با مخالفان خارجی نیز مزید بر علت گردید و سربداران هیچگاه از این نزاع‌ها فراغت کامل نیافتند، تا بتوانند بنیان دینی و سیاسی حکومت خود را مستحکم نمایند و با ایجاد دولت یکپارچه و قوی از نظر بنیادهای فکری، فرهنگی و عقیدتی، در نهایت آرمان‌های خود را پیاده کنند. بد نیست اشاره شود که سربداران در ساماندهی تشکیلاتی و ایجاد ساختاری منظم و منسجم حکومتی نیز آنطور که باید قوی ظاهر نشدند و در این راستا خسرو بیگی و اسفندیار (۱۳۹۲)، ابراز داشتند کوتاهی دوره حکومت سربداران و منازعات آنان با دشمنان و مهم تر از همه، اختلافات داخلی اجازه شکل‌گیری یک نظام اداری کارآمد و با ثبات را نداد.

۴.۳. ناامیدی مردم از حصول آرمان‌های دینی و فرهنگی سربداران

در کنار تاکید سران سربداران بر آیین شیعه و حاکم بودن عدالت و فرائض مذهب تشیع، وجود روحیه‌ی جوانمردی و ساده‌زیستی که از تعالیم اسلامی است، اقبال مردم را به سوی آنان بیشتر می‌نمود و همین حمایت مردمی، باعث به ثمر نشستن تلاش این سران و پیش‌قراولان قیام گشت و تبعاً مردم به امید تحقق شعارهای اولیه این قیام و انقلاب و به خصوص تحقق عدالت و بسط فرهنگ و آیین شیعه گام در چنین عرصه‌ای نهادند، اما این شعارها زودتر از ساقط شدن حکومت سربداران، از صفحه سیاست حکمرانان ساقط گردید. همانطور که اشاره گردید حکومت سربداران به دلیل اختلافات داخلی سران نظامی با خود و روحانیون، جنگ با دشمنان خارجی و دوری از رهبران مذهبی و معنوی، نتوانست شعار دینی قیام‌کنندگان را به منصه‌ی ظهور رساند. به همین دلیل، بسیاری از هواداران نهضت و مردمی

که به عنوان مهمترین نماد این قیام شیعی نقش آفرین بودند، ناامید شدند. این واقعیتی تلخ است که سربداران به همه‌ی اصول و ارزش‌های مهمی که به خاطر آن دست به قیام زدند، نرسیدند و این باعث دلسردی آنان و عدم همراهی مردم و نهایت زوال این نهال نورسته شیعی گشت؛ هرچند که حماسه اولیه آن برای همیشه تاریخ جاودان و الهام‌بخش باقی ماند. نباید نادیده گرفت که در همان مدت کوتاه حکومت سربداران، آبادانی بسیاریدر قلمرو تحت حکومتشان صورت گرفت و توجه امرای سربدار به مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و بهبود زندگی زندگی و معیشت روستائیان و طبقه محروم شهر و روستا و تعدیل مالیات‌ها، تا حدود زیادی قابل توجه می‌نمود، اما چنانکه اشاره گردید، وجود اختلاف و جاه‌طلبی و کشمکش‌های درون حکومت، عدم تحکیم فرهنگ شیعی و خلأ حکومت‌رانی شایسته، امید مردم را از آنان کم نمود و در زمان‌آخرین امیر این دولت، که به مردم پشت نمود و از تیمور برای بقای حکومتش کمک خواست و سرسپرده وی شد، دیگر مردم دیار سربداران از وی قطع امید کردند. در نهایت عدم فراگیر شدن عملی فرهنگ و آیین شیعه و پشت کردن سران سربداران به آرمان‌های دینی و فرهنگی این قیام و در راس آن آرمان‌ها ذلت‌ناپذیری و مبارزه با ظلم، موجب از دست دادن پشتوانه مردمی و افتادن سلسله‌ی سربداری در گرداب سقوط شد.

۴.۴. تغییر الگوهای فرهنگی صداقت و ساده‌زیستی به توطئه و جاه‌طلبی

حس مساوات‌طلبی، مردمی‌بودن و ساده‌زیستن از ویژگی‌های مهم حاکمان دولت سربداران و از جمله آرمان‌های این قیام بود، که به تدریج رنگ باخت و به جای آن، جاه‌طلبی و رقابت بر سر قدرت و گاه توطئه و قتل بیشتر رخ نشان می‌داد. رهبران سربدار اگرچه خود را جدا از مردم جدا ندانسته و در میان مردمشان با سادگی و مهرورزی و به دور از هر گونه ظلم تعدی معاشرت داشتند؛ که شاید اقتضای حکومتشان بوده و شاید به دلیل اعتقاداتشان، اما در بین افراد نزدیک به حکومت، در بسیاری از برهه‌های تاریخی این دوره پنجاه ساله حکومتی، صداقت و سادگی کمتر به چشم می‌خورد. بازگو کردن این مطلب نه از جهت خرده گرفتن بر این امیران مبارز سربداری است، که به عنوان مشق دولتمردی و درس گرفتن از این انقلاب ارزشمند مردمی است. انجام تشریفات درباری و شکوه و جلال دولتی که در غالب پادشاهان دیده می‌شود، در بین اغلب فرمانروایان سربداران مشهود نبود، اما وجود میل به حکمرانی،

برخی از آنان را تا گرداب خیانت و قتل برادرانشان نیز به گواه تاریخ نویسان پیش برد. عنصر جاه‌طلبی در بین برخی از امیران این دولت نه تنها در بین خودشان، که با رهبران مذهبی که رقیب خود می‌دانستند، نیز مشهود بود و از اینرو از سخت گرفتن و تعدی بر پیروان شیخ جوری نیز گاه پروا نمی‌کردند. از اینرو باید گفت از آن صداقتی که در ابتدا با آنان داشتند و برای تثبیت حکومت بهره بردند، با سوار شدن بر مسند حکومت کمتر خبر بود و اینکه گفته می‌شود علت اینگونه رفتارهای تند، مبارزه با صوفی‌گری بوده است چندان درست نیست؛ چون جایی قید نشده که شیخ جوری و مریدانش با تشیع سر ناسازگاری داشتند، بلکه برخی از حاکمان سربداران (از جمله آخرین فرمانروای سربداران) از ترس نفوذ و قدرت معنوی و مادی شیخ حسن جوری و مریدانش که در پی تبلیغ دین و نه تصوف بودند، این روش نادرست را در پیش گرفتند و این رویه در دوره‌های بعدی نیز با اوج و فروودی در نهایت تشدید گشت.

۵.۴. کم رنگ شدن حاکمیت فرهنگ ایستادگی و تسلیم‌ناپذیری

قیام سربداران، ماهیتاً بیگانه‌ستیز بوده و مردم دیار سربداران با ایستادگی و دفاع محکم و شرافتمندانه در مقابل هجمه و ظلم دشمن بیرونی، توانستند با تفوق بر طوغاتیمورخان، برای همیشه به سلطه سیاسی، نظامی مغولان در سرزمین خراسان و خاک ایران خاتمه دهند. با این وجود در اواخر حکومت این سلسله سربداری، فرهنگ ایستادگی و روحیه تسلیم‌ناپذیری در حاکمان آن کم رنگ باخت، تا آنجا که علی مؤید آخرین حاکم سربدار وقتی با حمله تیمور به خراسان و قدرت وی مواجه می‌شود، به جای تأسی از امیران نخست سربدار و بنیانگذاران این نهضت و ایستادگیو قیام در مقابل این دشمن جدید، با ذلت‌ناز او استقبال نموده‌و به عنوان دست‌نشانده تسلیم او می‌شود. در واقع روح جهاد و ستیزه‌جویی که بارزترین خصیصه در میان سربدارانو امرای آنان بود، در این اواخر از بین رفت. این در حالی است که فرهنگ غنی تشیع همواره در ستیز با حاکمان جور و ستم و در صدد تحقق فرهنگ عدالت محور و ظلم‌ستیز شیعه بوده و خواهد بود. تسلیم شدن و دست‌نشانده‌گی آخرین امیر سربداران، هم قدرت نظام سربداران و هم محبوبیت و پشتوانه مردمی آنان را کم نمود و این ویژگی ناشایست ذلت‌پذیری و عدم استقامت که جایی در فرهنگ و آیین مذهب تشیع و آرمان‌های اولیه نداشت، شرایط سقوط این جنبش سترگ تاریخ فرهنگ و تمدن ایران را فراهم ساخت.

۵. نتیجه‌گیری

آنچه از این تحقیق برمی‌آید این است که بستر فرهنگی قیام سربداران، منبعث از فرهنگ حماسه‌سازشیعه و با الگوییابی از حماسه بزرگ عاشورا بود و این جریان مهم تاریخی، درواقع انقلابی بود با رویکردی حماسی و با تأسی از آموزه‌های فرهنگ تشیع و به خصوص اصل تسلیم‌ناپذیری در مقابل ظلم، که در راستای تحقق آرمانهای تشیع تحقق یافت. تاریخ حاکمان سربداران علیرغم اینکه در ابتدا، انگیزه‌های شیعی و معنویت و جوان‌مردی در آن موج می‌زد، اما بعدها دچار حوادث بغرنجی گردید، که زمینه‌ی افول این انقلاب را فراهم کرد و این وضعیت بیشتر از جانب خود این حاکمان و امیران دولت سربداران منشأ می‌گرفت، نه از جانب مردمی که بار سنگین این حماسه را به دوش می‌کشیدند. نظر به اینکه در این تحقیق، مهمترین مولفه‌های فرهنگی زمینه‌ساز و پدیدآورنده انقلاب سربداران مورد توجه قرار گرفته و رویکردهای فرهنگی موثر بر افول نهضت سربداران نیز از زوایای مختلفی مورد بررسی و تحلیل گردیده، می‌توان گفت که علل ظهور و افول یک انقلاب را، نباید فقط از نگاه تاریخی و وقایع مترتب بر آن انقلاب مورد توجه قرار داد، بلکه ریشه‌چنین جنبش‌ها و انقلاب‌هایی را بایستی از منظر فرهنگی جستجو نمود. یافته‌های این مقاله با بررسی مولفه‌های فرهنگی ظهور و سقوط سلسله سربداران، گویای این واقعیت است که هر انقلابی در یک بستر فرهنگی شکل می‌گیرد و چنانچه عوامل فرهنگی بسترساز یک انقلاب مردمی مبتنی بر آموزه‌های دینی، در جریان حکومت تداوم نداشته و کنار گذاشته شود و آرمان‌های اولیه قیام کم‌رنگ شود، بقای آن انقلاب به خطر خواهد افتاد. برخی از عوامل فرهنگی همچون مقاومت و جانفشانی در راه حق، دارای نقش کلیدی در ظهور انقلاب سربداران و حتی انقلاب‌های مشابه بوده و هستند و آنچه اکنون باعث شده نام سربداران، فروغی جاودانه یابد و پس از گذشت قرن‌ها بر زبان باشد، همانا ایستادگی در مقابل ظلم تا سر حد جان باختن است و این بارزترین عنصر فرهنگی تاثیرگذار بر خلق این نهضت شیعی و مردمی بوده است. این ویژگی ذلت‌ناپذیری و بیگانه ستیزی، نقش غیرقابل انکار خود را در به ثمر رسیدن انقلاب بزرگ اسلامی سال ۵۷ و دوران دفاع مقدس نیز ایفا نموده است. عوامل مهم دیگری نظیر ترویج آموزه‌های فرهنگ شیعی، وجود مولفه‌های مهم روحیه جوانمردی و برادری، نفوذ معنوی رهبران مذهبی سربداران و حاکم بودن فرهنگ انتظار و اندیشه مهدویت - که از منظر فرهنگی در این مطالعه مورد توجه قرار گرفت - نیز در راستای

پیروزی نهضت سربداران نقش به‌سزایی داشته است. از منظر رهیافت فرهنگی به علل افول انقلاب سربداران باید گفت که امرای دولت سربداران، اگرچه تصمیم به داشتن حکومتی عالانه و مردمی داشتند و به دین تشیع و آموزه‌های فرهنگی آن علاقه نشان می‌دادند و در جهت ساده‌زیستی، ایجاد نظام اجتماعی عادلانه و تخفیف در مالیات و برخی اصلاحات تلاش نمودند، اما گهگاه به جهت نیل به قدرت و دنیا طلبی و دور شدن از رهبری معنوی قیام و توجه کمتر به آموزه‌های فرهنگ تشیع، شرایط نامساعدی را فراهم نمودند، که در نهایت باعث شد این انقلاب سترگ و خوش فرجام در ابتدا، به سرانجام خوبی که می‌توانست در تداوم تاریخی و بقای بیشتر و ماندگارتر این خیزش اصیل شیعی تجلی یابد، نرسد. باید اذعان نمود که انقلاب همیشه جاوید سربداران، در همین حد نیز به عنوان برگ زرینی بر تاریخ ایران همواره درخشیده و الهام بخش حرکت‌های شیعیان در دوره‌های بعد با تکیه بر آن پیشینه ارزشمند تاریخی بوده است. از اینرو باید ضمن الگو گرفتن و مباحثات کردن به این فراز قابل تحسین تاریخ ایران، از تجربه حکومت داری آن - که آنگونه که باید موفق نبود- درس گرفت و متوجه بود که انقلاب‌های مردمی همچون سربداران هرچند مبتنی بر پاکترین و والاترین آرمان‌های اسلامی و تشیع باشند، اگر از مبانی فرهنگی و دینی‌اش فاصله بگیرد، حکومتش چندان دوامی نمی‌آورد و کناره‌گیری ملت و تند باد هجمه‌ی دشمنان، بساط آن را برمی‌چیند.

منابع:

۱. آهنگچی، آذر. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر در نخستین مرحله از جنبش سربداران خراسان تا تشکیل دولت. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران)، شماره ۱۷۶.
۲. باباصفری، علی اصغر. (۱۳۸۶). ظلم ستیزی در شعر شیعی. مجله شیعه شناسی، شماره ۱۸.
۳. باقی، عبدالرضا. (۱۳۹۰). مقایسه شعار عدالت خواهی در اعلامیه حقوق بشر و نهضت عاشورا. مجله تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۴.
۴. بلخی، محمد. (۱۳۷۵). روضه الصفا. تلخیص: عباس زریاب. تهران: انتشارات علمی.
۵. پرهیزکاری، سیدروح الله. (۱۳۹۲). نقش دولت شیعی سربداران خراسان در گسترش تشیع و تمدن اسلامی. مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی سال چهارم، شماره ۱۳.
۶. حسنی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه فرهنگ سیاسی شیعی و پیروزی انقلاب اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۱۷.
۷. حضرتی، حسن و منیره ناصح ستوده. (۱۳۸۹). تبیین نظری نهضت‌های شیعی - صوفی در ایران. مجله مطالعات تاریخ اسلام. سال دوم، شماره ۶.
۸. حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۶۳). تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبشهای ایرانیان در قرن هشتم هجری. تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
۹. خسروبیگی، هوشنگ و محمود اسفندیار. (۱۳۹۲). دوفصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران. تشکیلات اداری سربداران. شماره ۲.
۱۰. روحانی، سیدکاظم. (۱۳۶۸). انعکاس نهضت سربداران در جهان اسلام. کیهان اندیشه، آذرودی، شماره ۲۷.
۱۱. سعیدی، مدرس. (۱۳۹۳). بحران مشروعیت در حکومت سربداران. مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۲۲.

۱۲. سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۳۸). **تذکره الشعراء**، به اهتمام محمدعباسی. تهران: نشر بارانی.
۱۳. شریف، محمدرضا. (۱۳۸۱). **درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر**. تهران: نشر روزنه.
۱۴. ضابط، حیدررضا. (۱۳۸۸). **ظهور سلسله صفویه نقطه عطفی در تاریخ ایران فصلنامه مشکوه**، شماره ۵۹.
۱۵. عباسی، فاطمه. (۱۳۹۲). **بررسی ارتباط مابین اندیشه‌های غالب در دوران حکومت سربداران با معماری آن عصر**. همایش ملی معمار. مقالات سمینار فرهنگ و مدیریت شهری، مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری کرج.
۱۶. فتحی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۸). **رابطه دین و دولت نزد سربداران**. مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۳.
۱۷. کوشکی، محمدصادق. (۱۳۸۷). **بازشناسی هویت انقلاب اسلامی**. مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴.
۱۸. کرمی، محمدتقی. (۱۳۹۳). **تحول فرهنگ سیاسی علمای شیعه از دوره قاجار تا پهلوی**. مجله علوم سیاسی، شماره ۵۹.
۱۹. مرادی‌نسب، حسین. (۱۳۸۷). **دولت سربداران**. مجله آینه پژوهش، شماره ۶۰.
۲۰. مرتضوی، منوچهر. (۱۳۵۸). **مسائل عصر ایلخانان**. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۲۱. میرخواند، خوامیر. (۱۳۸۰). **روضه الصفا**. تصحیح: جمشید کیان فر. تهران: نشر اساطیر، ج ۵.